

مهاجرت مغزها، دستیابی به توسعه پایدار را با مانع روبه‌رو می‌کند

اشاره:

نیروی انسانی به عنوان عامل تصمیم‌ساز و برخوردار از علم و فناوری، یکی از عوامل مؤثر در توسعه پایدار اقتصادی است. امروزه در کشورهای پیشرفته جهان، مدیریت، خلاقیت، ابتکار و استعداد نیروی انسانی مهمترین رکن را در فرآیند توسعه تشکیل می‌دهد. به همین جهت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های وسیعی برای جذب نیروی انسانی متخصص در این گونه جوامع اتخاذ و اعمال می‌گردد تا فرآیند توسعه از پویایی لازم در تمام ابعاد بهره‌مند باشد. بخش وسیعی از هزینه‌های اجتماعی در کشورهای توسعه یافته صرف توسعه نیروی انسانی می‌شود و در قالب بودجه‌های بخش عمومی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تخصیص می‌یابد. سرمایه‌گذاری‌ها و بودجه‌های مربوط به بهداشت، آموزش و پرورش، آموزش عالی، تحقیقات و توسعه رویکرد مهمی را در توسعه نیروی انسانی ایفا می‌کند و در کنار آن رفاه و امنیت اجتماعی - اقتصادی زمینه‌های لازم را برای جذب نیروی انسانی متخصص و کارآمد فراهم می‌سازد. این سرمایه‌گذاری‌ها سبب می‌شود که فرآیند توسعه اقتصادی در جوامع پیشرفته از سرعت کافی برای گسترش علم و فناوری و کسب سهم بیشتر در بازار کالاها و خدمات برخوردار گردد. اما در جوامع در حال توسعه همچنان توسعه نیروی انسانی به لحاظ فقدان توان مدیریت جامعه با موانع جدی روبه‌رو است و سیل مهاجرت نخبگان، متخصصان، کارشناسان و حتی کارگران ماهر و نیمه‌ماهر به سوی کشورهای توسعه یافته ادامه دارد. زبان‌های ناشی از این امر نه تنها در بعد اقتصادی، بلکه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای در حال توسعه قابل مشاهده است، هر چند که نمی‌توان این زبان‌ها را با اعداد و ارقام به صورت واقعی بیان کرد. در این مقاله تلاش داریم که بحث توسعه نیروی انسانی و تأثیر مستقیم آن بر عقب‌افتادگی اقتصادی - اجتماعی باز نماییم.

نیروی انسانی عاملی است که می‌تواند منابع و توانمندی‌های بالقوه اقتصادی را با عقل، درایت و مدیریت خود، با ترکیبی بهینه به کار گیرد و ترکیب نماید و در نهایت به شکل	محصول (کالا یا خدمت) به جامعه عرضه نماید.	می‌توان به سهولت فضای لازم برای جذب منابع سرمایه‌گذاری مادی و فناوری را فراهم ساخت و در ترکیبی بهینه به محصول قابل عرضه در بازار جهانی تبدیل نمود. از این رو می‌توان
---	---	--

دانشگاه‌ها و افتخارآفرینان المپیادهای علمی که در سال‌های اخیر این نخبگان به راحتی جذب کشورهای اروپایی و آمریکایی شده‌اند و دوم از لحاظ مهاجرت‌پذیری که متأسفانه کسانی وارد ایران می‌شوند که از لحاظ شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در سطح بسیار پایینی قرار دارند.

وی افزود: از هر چهار ایرانی متخصص، یک نفر مهاجر است و تعداد ایرانیان دارای رتبه استادی در مجموع دانشگاه‌های علوم پزشکی و غیرپزشکی کل کشور ۱۵۰۰ نفر است، در حالی که رقم اساتید ایرانی در دانشگاه‌های آمریکای شمالی ۱۸۲۶ نفر است.

وی با اشاره به ارزش افزوده سرمایه ایرانیان مقیم آمریکای شمالی در سال ۲۰۰۰ که معادل ۴۰۰ میلیارد دلار بوده و برابر با ۲۵ سال درآمد نفتی ایران است، گفت: باید علت تشدید پدیده مهاجرت مغزها مشخص شود. باید بررسی شود که در صورت تداوم مهاجرت مغزها، کشور با چه کمبود و بحرانی مواجه خواهد شد. وزارت علوم باید اعلام کند که چه تدابیر و برنامه‌هایی برای جلوگیری از مهاجرت مغزها اندیشیده است.

«مصطفی معین» وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در این زمینه گفت: پدیده مهاجرت مغزها از سال‌ها قبل در کشور وجود داشته و در طول زمان با فراز و نشیب‌هایی استمرار پیدا کرده است. این مسأله تنها به یک دستگاه و

است. در همین حال فقدان دورنمای روشن برای شرایط زندگی آینده جوانان با توجه به تنش‌های سیاسی - اجتماعی موجود سبب شده است که سیل مهاجرت تقویت شود.

براساس آمارهای غیررسمی، سالانه ۵۰۰ هزار نفر از ایران مهاجرت می‌کنند که بخش عمده آنها را متخصصان ۳۰ تا ۴۰ ساله تشکیل می‌دهند که برای آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و آموزش عالی آنها میلیاردها ریال سرمایه‌گذاری شده است. به عبارت دیگر به جای آن که جامعه ایرانی از ارزش افزوده ناشی از کار و نوآوری آنها بهره‌مند گردد، سالانه میلیاردها ریال سرمایه‌گذاری انجام شده برای توسعه نیروی انسانی را از دست می‌دهد. سرمایه‌گذاری‌هایی که بازده آن به سهولت نصیب کشورهای مهاجرپذیر می‌شود.

چندی پیش دو نماینده مجلس شورای اسلامی، نورالدین پیرمؤذن، عضو کمیسیون بهداشت و درمان و سیدافضل موسوی عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس در قالب چند سؤال، دلایل مهاجرت تحصیل‌کردگان و نخبگان کشور را از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری جویا شدند.

پیرمؤذن با استناد به برخی آمارها گفت: ایران متأسفانه در بین ۱۵۰ کشور جهان در ۲ محور رتبه اول را کسب کرده است. نخست از نظر مهاجرت تحصیل‌کردگان، اعضای هیأت علمی

گفت نقش نیروی انسانی در اصلاح ساختار اقتصادی، اجتماعی و گسترش صادرات و کسب سهم بیشتر در بازار جهانی کالاها و خدمات انکارناپذیر است.

جوامع توسعه یافته با سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع کلان برای توسعه نیروی انسانی و تحقیقات و مطالعات توانسته است سهم روزافزونی را در تجارت جهانی کالاها و خدمات به دست آورد و در مقابل جوامع در حال رشد به لحاظ ضعف در توسعه نیروی انسانی متخصص و مدیر و مدیر همواره با موانع جدی در دستیابی به توسعه پایدار مواجه بوده و هستند.

آمارهای اقتصادی نشانگر این واقعیت است که جوامع در حال توسعه مواجه با فقر، همواره در توسعه نیروی انسانی با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌باشند و همین امر سبب شده که سیل مهاجرت از این جوامع به سوی دنیای توسعه یافته تداوم پیدا کند. هر چند که مهاجران کشورهای در حال توسعه به لحاظ تفاوت‌های فرهنگی با شرایط دشواری در کشورهای توسعه یافته مواجه هستند، اما به لحاظ رفاه و امنیت اقتصادی - اجتماعی از شرایط بهتری برخوردار می‌شوند.

در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران سیل مهاجرت به ویژه متخصصان و پژوهشگران جوان تداوم یافته و مسایل اقتصادی، اجتماعی و مشکلات و تنش‌های سیاسی گسترش یافته

یک بخش مربوط نمی‌شود، بلکه مسأله مهاجرت مغزها را باید یک مسأله ملی تلقی کرد.

«معین» علت مهاجرت مغزها را تنها مربوط به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ندانست و افزود: علاوه بر مهاجرت نخبگان علمی، شاهد مهاجرت نخبگان مدیریتی، صاحبان صنایع و سرمایه، فناوران یا تکنولوژیست‌ها و کارشناسان بخش‌های صنعتی، تولیدی و تجاری هستیم.

وی با پیچیده و بغرنج دانستن موضوع مهاجرت نخبگان گفت: با توجه به این که مهاجرت نخبگان دارای ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی و حتی امنیتی است، این موضوع باعث شده فکر، اندیشه، خردورزی، علم و فناوری، ارزش افزوده بسیار زیادی را در افراد ایجاد کند که خروج آنها از دایره تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در داخل کشور و یا خروج آنها از کشور را باید یک خسارت ملی تلقی کرد.

مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و معیشتی در کشورهای مبدأ و مقصد موجب مهاجرت نخبگان و جذب آنان از سوی کشورهای دیگر شده است.

معین با استناد به جامعه آماری که از میان سه گروه متخصصان مقیم داخل، متخصصان اعزام شده به خارج و متخصصان مقیم در خارج از کشور به دست آمده است، گفت: عوامل مهم

دامنه اجتماعی که مهاجرت نخبگان را به همراه داشته، عبارت است از عدم اطمینان نسبت به آینده، احساس محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، ناکارآمدی‌های مدیریتی، کم‌توجهی به ملاک‌های شایستگی در جذب و اشتغال، سلیقه‌ای بودن نظام گزینش اداری، مشکلات نظام وظیفه و ترغیب خانواده، دوستان و جامعه برای خروج از کشور.

وی علل مهم دافعه سیاسی مهاجرت نخبگان را ناشی از احساس ناامنی سیاسی، فکری متخصصان و بی‌ثباتی در مدیریت‌های سیاسی و اجرایی، بحران‌های پی‌درپی و تغییرات پیاپی در قوانین و مقررات دانست.

وی دافعه علمی و فرهنگی کشور را نیز ناشی از ضعف مدیریت و کمبود امکانات در فضاهای علمی دانست و افزود: کمبود امکانات برای پژوهش و غلبه حوزه‌های سیاسی و اقتصادی بر حوزه‌های علمی و فرهنگی در اولویت‌گذاری‌های ملی و کم‌توجهی به شأن علم و عالم و نظام برنامه‌ریزی کشور به مهاجرت نخبگان دامن زده است.

وی متذکر شد که پس از واقعه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بر اثر تنش‌های سیاسی جامعه، مهاجرت نخبگان از کشور تشدید شده است.

معین درباره عواقب ناشی از مهاجرت نخبگان گفت: مسؤلیت پیدایش و گسترش پدیده ناهنجار مهاجرت نخبگان و راهکارهای این

موضوع فراتر از بخش‌های خاص است و حتی دولت به تنهایی قادر به حل آن نیست. باید به این مسأله به عنوان یک دغدغه ملی و یک نگرش همگرایانه در میان قوای کشور نگریست.

وی با اشاره به نتایج بررسی‌های انجام شده از سوی وزارت علوم گفت: سه نگرش معمول وجود دارد. نخست «شکار مغزها»، دوم «فرار مغزها» و سوم «چرخش مغزها».

شکار یا جذب مغزها را باید یک موضوع حساب شده و بر پایه توطئه از پیش طراحی شده قدرت‌های صنعتی دانست و فرار مغزها که نگاه اصلی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نسبت به آن است. این نگرش را باید نگرش توسعه‌گرایانه مبتنی بر جلب مشارکت نخبگان و ایجاد تعادل بین ورودی‌ها و خروجی‌ها به سیستم علمی و اجرایی کشور دانست. زیرا این موضوع در دنیای امروز و زمان جهانی شدن یک امر طبیعی محسوب می‌شود. البته مشروط بر این که کنترل شده باشد.

معین تصریح کرد: تعادل بین ورود و خروجی علمی می‌شود که اگر نخبگان مهاجرت کنند، ارتباطشان با وطن قطع نشود و به نیازهای توسعه‌ای کشور خود توجه کنند و نسبت به انتقال دانش فنی بیشتری ورزند. با همکاری سازمان یافته می‌توان از وجود نخبگان ایرانی مقیم خارج در پروژه‌های داخلی استفاده کرد.

وی گفت: برای تعدیل و کنترل مهاجرت نخبگان علمی کشور، به‌زودی

قانون توسعه علمی کشور به مجلس رایه می‌شود.

وی افزود: سیاست و برنامه‌های اجرایی وزارت علوم بر پایه رویکرد «چرخش مغزاها» تنظیم شده و کمیته‌ای مسؤولیت پیگیری آن را برعهده دارد.

وی یکی از مهمترین مشکلات پدیده مهاجرت نخبگان (اعم از علمی، مدیریتی یا اقتصادی) را آشنفنگی و فقدان تمرکز آمار و اطلاعات در خصوص این پدیده دانست و افزود: طبق آمار و تحقیقات انجام شده، متوسط سن متخصصان عازم به خارج یا مقیم خارج از کشور ۳۰ تا ۴۰ سال است و در میان نخبگان علمی که به خارج از کشور مهاجرت کردند، به ترتیب رشته‌های فنی، مهندسی، علوم انسانی و اجتماعی و مدیریت، پزشکی و علوم پایه قرار دارند و مشاغل عمده‌ای که نخبگان مقیم خارج به عهده دارند، در امور فنی، مهندسی، پزشکی و مدیریت‌های اجرایی است.

«معین» با اشاره به تهیه شدن منشور ۱۳ ماده‌ای، اظهار امیدواری کرد که با اجرای آن بسیاری از معضلات مهاجرت نخبگان علمی کشور کاهش یابد.

وی تصریح کرد: جذب مشارکت هر چه بیشتر متخصصان ایرانی در داخل کشور، در بازار بین‌المللی، علم، تحقیق و فناوری، همکاری و مشارکت با نخبگان علمی و متخصصان ایرانی مقیم خارج، پیش‌بینی و اجرای سیاست‌ها و سازوکارهای ارتقای شأن

و منزلت علم، مراکز علمی و دانشگاهی و دانشمندان در کشور، توسعه و تقویت متوازن امکانات علمی و تحقیقاتی در نقاط مختلف کشور، دسترسی آسان متخصصان به منابع علمی و شبکه جهانی اینترنت از موارد اصلاحی است. وزیر علوم، تأمین و تقویت آزادی

تفکر و بیان، امنیت شغلی و اجتماعی، تمرکززدایی و اعطای اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها، دفاع از حقوق متفکران و متخصصان، برنامه‌ریزی، جذب، پرورش و تأمین استعدادها درخشان و ممتاز به خصوص سطوح آموزش عالی و جذب آنها در مشاغل حساس و مناسب را ضروری دانست و گفت: باید با ساماندهی و ارتباط تنگاتنگ و مستمر با متخصصان و دانشمندان ایرانی خارج از کشور، راه‌های مشارکت آنها در فعالیت‌های علمی، پژوهشی و صنعتی در داخل کشور را هموار کنیم.

در پایان این نشست مجلس شورای اسلامی، به دلیل قانع نشدن طراحان سؤال از پاسخ‌های وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، این سؤال برای بررسی بیشتر بار دیگر به کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ارجاع شد.

با توجه به نقش کلیدی نیروی انسانی متخصص در دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار، پدیده مهاجرت مغزاها برای کشور ضایعه بزرگی است که می‌بایست برای جلوگیری از پیشرفت آن، راهکارهای مناسبی اندیشیده شود.

به عقیده کارشناسان، روشن شدن جایگاه و شأن علم و دانش و دانشمندان و پژوهشگر در جامعه، پیگیری مقوله شایسته‌سالاری و ایجاد امنیت شغلی و اجتماعی، تأمین و تجهیز پایگاه‌های علمی، تحقیقاتی، گسترش آزادی بیان و اندیشه در جامعه بیش از دیگر عوامل در کاهش روند مهاجرت نخبگان تأثیر دارد.

آنچه مسلم است، گسترش سیل مهاجرت نخبگان سبب خواهد شد که کشور توان بهره‌گیری از علوم و فناوری روز را از دست بدهد و همین امر به طور مستقیم بر روند تولید و صادرات و توان رقابت بنگاه‌های اقتصادی عرضه‌کننده کالا و خدمات اثرگذار است. بنابراین اگر تقویت صادرات غیرنفتی و جهش آن (اعم از کالا و خدمات) به عنوان محور توسعه اقتصادی مدنظر باشد، می‌بایست به جذب ظرفیت‌های علمی و استعدادهای خلاق و مبتکر اهمیت ویژه‌ای داده شود.

با تنش‌های موجود سیاسی، اجتماعی در کشور نه تنها سرمایه‌های مادی و معنوی خارجی جذب نخواهد شد، بلکه سرمایه‌های موجود نیز به نحوی خارج می‌گردد و زیان آن در بلندمدت مشخص خواهد گردید.

